

اصول تربیت

دکتر علی اصغر احمدی

اصل چهاردهم

زبان و بیان برای انتقال پیام و عواطف مثبت است، از آن برای آزار دادن فرزندانمان و انتقال هیجانات منفی استفاده نکنیم.

سخن گفتن که مهم‌ترین رفتار بشری است، کارکردها و سودمندی‌های گوناگون برای انسان دارد. انسان از طریق زبان و با بیان شفاهی می‌تواند مقاصد خود را به دیگران منتقل کند و از این طریق با آنان ارتباطی خاص برقرار کند. این نوع ارتباط به لحاظ انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا آدمی می‌تواند به کمک زبان ارتباطی ساده‌تر، گسترده‌تر و متعالی‌تر با دیگران داشته باشد. حال تصور کنیم که اگر انسان بخواهد پیامی را به دیگری به کمک حرکات انتقال دهد؛ در چنین شرایطی فرد ناگزیر است حرکات و اشاره‌های زیادی را به کار بگیرد تا مقصود خود را به او منتقل نماید، در حالی که همین پیام را می‌تواند در قالب جمله‌ای ساده و بدون صرف انرژی زیاد به دیگری انتقال دهد. به این ترتیب، زبان یک ابزار ارتباطی مهم است که ارتباط را با سهولت، سادگی، گسترده‌گی و تعالی همراه می‌کند.

کارکرد دیگر زبان، این است که می‌تواند برای تخلیه هیجانهای انسانی به کار گرفته شود. انسان با حالاتی چون غم، شادی، احساس تنهایی، احساس تحقیر و سایر احساسهای آشنای خود سروکار دارد. این احساسها اغلب



بردن در گریبان یک چاه، احساس خود را از طریق بیان و زبان تخلیه می‌کنند.

یکی دیگر از کارکردهای زبان، کمک به اندیشیدن است. زبانها در قالب کلمات و اصطلاحات به انسان کمک می‌کنند تا در مورد پدیده‌های مختلف بیندیشند. زبان هر قدر غنی‌تر باشد، تفکر را بیشتر تسهیل می‌کند. در مطالعات مربوط به قبایل اولیه، مواردی شناسایی شده‌اند که در زبان آنها اعداد زیادی برای شمارش وجود نداشته است. آنان تا عدد ۱۰ را می‌توانستند بشمارند ولی از ۱۰ به بعد را تنها با یک لفظ و آن هم "خیلی" و یا "زیاد" می‌نامیدند. چنین زبانی، برای بیان کمیت‌ها بسیار فقیر است؛ از این رو نمی‌تواند کسانی را که به این زبان تکلم می‌کنند، برای تفکر سهل و ساده، حداقل در این زمینه‌ها یاری کند. زبانهای مختلف جهان از این جهات با یکدیگر قابل مقایسه‌اند. یکی از علل استفاده ملل از زبانهای ملتهای دیگر همین است که وقتی زبانی نمی‌تواند برای مفهومی خاص، یک معادل رسا داشته باشد، ممکن است آن را از زبانی دیگر به عاریت بگیرد. وجود تعداد زیادی اصطلاحات عربی و انگلیسی در زبان فارسی، نشانگر این است که حداقل در مورد تعدادی از آنها، نبود معادلی رایج و قابل قبول، موجب شده است معادل غیر فارسی را بپذیریم و به کار ببریم.

به این ترتیب پی بردیم که سه کارکرد مهم زبان، یعنی ۱- کارکرد ارتباطی ۲- کارکرد هیجانی و ۳- کارکرد فکری، نقش‌های تعیین کننده‌ای در زندگی انسان دارند. این کارکردها به لحاظ تربیتی نیز حائز اهمیت بسیاریند. زیرا زبان مهم‌ترین ابزار برای اعمال تربیت است. هر

با اشکال گوناگون خود با انسان همراه هستند. انسان اغلب اوقات با یک یا چند احساس عاطفی و هیجانی، از انواعی که نام بردیم، سرو کار دارد. این احساسها انرژی‌های خاصی در درون انسان ایجاد می‌کنند که این انرژی‌ها راه بیرون را در پیش می‌گیرند و می‌خواهند به نوعی تبدیل به یک رفتار شوند و از درون انسان به بیرون بریزند. خنده، گریه، خشم و عصبانیت و پرخاشگری، همه و اکنشهایی هستند که از طریق آنها انسان انرژی‌های احساسی خود را برون‌ریزی می‌کند. این واکنشها گویی راههای تخلیه آن احساسها هستند. انسان حتی نمی‌خواهد شادی را در درون خود نگه دارد. این احساس خوشایند هم می‌خواهد برون‌ریزی شود. لذا انسان با فریاد زدن، با خندیدن و با تحرک بدنی، شادی خود را بیرون می‌ریزد.

در این میان زبان، ابزاری است برای برون‌ریزی هیجانها. انسان از طریق حرف زدن که ممکن است به اشکال گوناگون، از قبیل ساده و روان تا بیان با فشار و بریده، بریده و هذیان گونه باشد، هیجانهای خود را بیرون بریزد. یکی از موارد آشنای برون‌ریزی احساسها، سبک کردن غم‌ها و دردها از طریق بیان آن برای دیگری است. انسان به اصطلاح از طریق درد دل کردن با دیگری، بار هیجانی غم را سبک می‌کند. در چنین شرایطی شنونده دردهای انسان، شریک در غم او نمی‌شود، بلکه شنونده‌ای می‌شود برای این که گوینده فرصتی بیابد تا غم خود را در قالب کلام بیرون بریزد. برخی از انسانها وقتی کسی را برای بیان دردهای خود نمی‌یابند، با خود سخن می‌گویند و یا این که در باغ و بیابان و یا حتی با سرفرو

باشیم .

در انتقال پیام زبانی معمولاً با پیام^۱، رمزگذاری^۲ و رمزگشایی^۳ سروکار داریم . پیام مفهوم و معنایی است که می‌خواهیم به مخاطب خود منتقل کنیم . جنبه‌های هیجانی از قبیل غم و شادی نیز ممکن است جزئی از پیام باشند . این پیام را در رمزگذاری، در قالب یک پیام زبانی می‌ریزیم . کسانی که به دو یا چند زبان آشنایی دارند، می‌توانند پیام واحد خود را به زبانهای مختلف بیان کنند . اینان پیام خود را در نظامهای زبانی مختلفی رمزگذاری می‌کنند . رمزگذاری در یک زبان نیز ممکن است به اشکال گوناگون انجام گیرد . انسان می‌تواند یک مقصود یا یک پیام را با جملات گوناگون بیان کند . این جملات رمزگذاری‌های گوناگونی هستند که در مورد یک پیام انجام می‌گیرد . مسلم است که انسان هر قدر از دانش گسترده‌تری، بخصوص از دانش زبانی وسیعتری برخوردار باشد، می‌تواند یک پیام را

چند که عواطف بستر تربیت را فراهم می‌کنند ولی زبان برای اعمال یک تربیت انسانی و حتی برای انتقال عواطف، مهم‌ترین ابزار به شمار می‌آید .

آنچه در این اصل می‌خواهیم مورد تأکید قرار دهیم این نکته است که از " زبان " باید به نحو خاصی در تربیت استفاده کرد و لذا نباید آن را برای هرگونه ارتباط به کار گرفت . در توضیح اصل قبل تأکید کردیم که به کودک جز راست نباید گفت ، هر چند که هر راست نیز شاید گفت . این اصل خود یک اصل زبانی است . یعنی نحوه استفاده از زبان را، در یک بخش اخلاقی توضیح می‌دهد . علاوه بر این در استفاده از زبان برای تربیت، نکات دیگری را نیز باید مورد توجه قرار دهیم . لکن قبل از آن که این نکات را بیان کنیم بهتر است در مورد نحوه انتقال پیام زبانی توضیح کوتاهی داشته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله مجامع علوم انسانی



این بدان معنی است که از زبان برای تخلیه هیجانهای منفی، در مقابل متربی استفاده نکنیم. به بیان دیگر نباید عصبانیت و نیز ناراحتی‌ها، غمها و ناکامیهای خود را از طریق زبان به متربی منتقل کنیم. سرزنش کردن، تحقیر کردن و ناسزا گفتن اغلب اوقات به منظور تخلیه هیجانهای منفی در درون انسان انجام می‌گیرد. بنابراین از انتقال این گونه هیجانها به متربی جداً پرهیزیم.

در مقابل می‌توانیم هیجانهای مثبت، از قبیل محبت، شادی، خشنودی و احساس خوشبختی را به صورت کلامی به متربی خود منتقل کنیم و رعایت این نکته برای پاکیزگی و طهارت کلامی ضروری است. خوب است کلام ما نیز مانند زندگی ظاهری و یا ظاهر ما پاکیزه و منظم باشد.

۴- از تکرار بیهوده مطالب جداً پرهیزیم، بویژه آن جا که شنونده از شنیدن خسته شده و حالت اشیاع به او دست داده است. وقتی احساس می‌کنیم که کلام ما برای متربی جنبه خسته کننده به خود گرفته، بهتر است کلام را قطع کنیم و آن را تبدیل به یک محرک مهوع نکنیم تا در آینده فرصتی برای انتقال پیام از طریق کلام بیاییم. اگر شنونده از کلام ما خسته شده باشد، تکرار مطالب سودمند نخواهد بود.

به اشکال متنوع تری رمزگذاری کند. پس از رمزگذاری، فرایند رمزگشایی قرار دارد. شنونده وقتی پیام را از طریق گفتار دریافت کرد، آن را از قالب کلمات خارج کرده، به صورت یک مفهوم دریافت می‌کند. وقتی زبان بیگانه‌ای را می‌شنویم که با آن آشنایی کافی نداریم، هر چند که دو بخش پیام و رمزگذاری وجود دارد ولی رمزگشایی ما با اشکال مواجه می‌شود و نمی‌توانیم رمز کلمات شنیده شده را براحتی بگشاییم و از این رو نمی‌توانیم مقصود گوینده را درک کنیم.

به این ترتیب در ارتباط کلامی در تربیت، لازم است به نکات زیر بخوبی توجه کنیم:

۱- از کلام برای انتقال روشن پیام استفاده کنیم. از این رو سعی کنیم آن را به روشنی و وضوح مورد استفاده قرار دهیم. به عبارت دیگر باید با هر کسی با زبان قابل فهم او سخن بگوییم و این معنای این بیت است که:

"چون که با کودک سروکارت فتاد
پس زبان کودکی باید گشاد"

۲- در این زمینه لازم است با کودک و یا نوجوان و یا به عبارت کلی با متربی خود به گفت و گو بپردازیم و از بیان یکسویه مطالب اجتناب کنیم. گفت و گو موجب می‌شود که بدانیم تا چه حد توانسته‌ایم مقصود خویش را به متربی خود منتقل کنیم و پی خواهیم برد که چه نکاتی را و با چه زبانی باید با او در میان بگذاریم.

۳- کلام را از بار هیجانی منفی تهی کنیم و در صورت لزوم با بار هیجانی مثبت همراه نماییم.

پی‌نوشتها:

- 1- MESSAGE
- 2- CODING
- 3- DECODING